زیر آسمان فیروزه‌ای

تلاش دوباره برای کاهش هزینه‌های فارابی

● **گروه هنر:** علیرضا تابش گفت: «نسبت هزینه‌های پشتیبانی بنیاد سینمایی فارابی به اعتبارات حمایت از سینما در سال ۹۷ «نسبت سی به هفتاد» بود و تلاش خواهیم کرد تا این نسبت (هزینه‌های پشتیبانی) در سال ۹۸ همچنان کاهش داشته باشد». پس از اعلام رسمی بودجه‌های سینمایی در سال پیش‌رو، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی درپی پیگیری ایسنا مبنی‌بر بودجه‌های اعلام‌شده برای این بنیاد و بازگشت جشنواره‌های فیلم فجر به این بنیاد نوشتاری را اختصاصی در اختیار ایسنا گذاشت که در آن آمده است: «همه ساله مؤسسات سینمایی با سازمان سینمایی تفاهم‌نامه‌ای امضا می‌کنند که به‌تازگی مفاد آن برای نخستین‌بار به صورت شفاف توسط سازمان سینمایی در آغاز سال منتشر شد. بر اساس مفاد تفاهم‌نامه فی‌مابین سازمان سینمایی و بنیاد، مشخص است که در سال ۱۳۹۸ بنیاد سینمایی فارابی چه رویکردها و مأموریت‌هایی را دنبال و اجرا می‌کند. یکی از آن بندها، پشتیبانی از جشنواره‌های فیلم فجر و فیلم کودک و نوجوان است، سیاست‌گذاری و اجرای جشنواره‌ها زیر نظر سازمان سینمایی انجام می‌شود و پشتیبانی از جشنواره‌های فجر و کودک به‌صورت متمرکز در بنیاد سینمایی فارابی انجام می‌شود. البته مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در شورای سیاست‌گذاری این جشنواره‌ها عضویت و همکاری دارد». مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در بخش دیگری از این نوشتارش آورده است: «طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده در چهار سال گذشته بنیاد سینمایی فارابی با انحلال یک معاونت (معاونت پشتیبانی تولید) و برون‌سپاری خدمات و فعالیت‌های حوزه تجهیزات سینمایی به پروژه‌های تولیدی، از تصدی‌گری فاصله گرفت و در حوزه نیروی انسانی چابک‌سازی و ارتقای دانش همکاران را در دستور کار قرار داد؛ به‌طوری‌که در چهار سال اخیر با برنامه‌ریزی انجام‌شده نزدیک به ۷۰ نفر از کارکنان این بنیاد، بازخرید یا بازنشسته شده‌اند و تجهیزات فنی این بنیاد با هدف کاهش تصدی‌گری تعیین تکلیف شد». علیرضا تابش در بخش پایانی با اشاره به بودجه اعلام‌شده، نوشت: «نسبت هزینه‌های پشتیبانی بنیاد به اعتبارات حمایت از سینما، در سال ۹۷ «نسبت سی به هفتاد» بود و تلاش خواهیم کرد تا این نسبت (هزینه‌های پشتیبانی) در سال ۹۸ همچنان کاهش داشته باشد. طرح جامع سینمای ایران به عنوان یک سند، چشم‌انداز ۱۰ ساله صنعت سینما را ترسیم می‌کند و دارای ۱۰ راهبرد اساسی است. یکی از این راهبردهای مهم در این چشم‌انداز «نهضت تولید محتوا» و «توجه ویژه به بازارهای داخلی و بین‌المللی سینما» است، لذا در سال جاری و در ادامه روندهای گذشته؛ تقویت و توانمندسازی بخش خصوصیِ خلاق در حوزه تولید و بازار، رویکرد جدی بنیاد سینمایی فارابی است و بنیاد با حمایت از تأسیس مرکز نوآوری و شتاب‌دهی سینمای ایران تمام تلاش خود را به عنوان «حلقه واسط بخش خصوصی و دولت» جهت گسترش نهضت تولید محتوا و تسهیل و آماده‌سازی زیست‌بوم کسب‌وکارهای نوین در سینما انجام خواهد داد.

طبق برآوردها اندازه فعلی بازار سینمای ایران در بهترین حالت ۲۵ درصد است و با پیوند سینما با صنایع مجاور و همین‌طور شتاب‌دهی پروژه‌های سینمایی، بی‌تردید این سهم افزایش قابل توجهی خواهد یافت». بنیاد سینمایی فارابی ۶۰ میلیارد و ۲۴۶ میلیون تومان و در بخش هزینه پشتیبانی هشت میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان در سال ۹۸ بودجه گرفته است.

کمک‌های بلاعوض و تسهیلات به هنرمندان آسیب‌دیده از سیل

● **گروه هنر:** «مدیرعامل صندوق اعتباری هنر در جمع اهالی فرهنگ، هنر و رسانه استان لرستان گفت: «با مساعدت ویژه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کمک‌های بلاعوض و تسهیلات به هنرمندان آسیب‌دیده از سیل تعلق می‌گیرد». سیدحسین سیدزاده روز دوشنبه در نشست رسانه ای استان لرستان گفت: «در سال ۹۷ با مدیریت صحیح منابع و توزیع عادلانه آن سعی کردیم رضایت و اعتماد اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه را به دست بیاوریم». سیدزاده با اشاره به خسارت‌های ناشی از سیل در برخی نقاط کشور از جمله استان لرستان گفت:« تسهیلات و کمک بلاعوض به تمام هنرمندان عضو صندوق اعتباری هنر که در سیل اخیر لرستان آسیب دیده‌اند، تعلق می‌گیرد. لرستان، پانزدهمین استانی است که به آن سفر کرده‌ایم. متأسفانه خسارت‌های مادی و روحی و روانی بسیاری بر مناطق سیل‌زده وارد شده است.با توجه به منابع محدود تلاش کردیم به وعده‌های خود عمل کنیم؛ برای مثال در سال ۹۷ بیش از حدود ۱۲ میلیارد تومان به بانک‌های عامل معرفی اهالی فرهنگ، هنر و رسانه داشته‌ایم». مدیرعامل صندوق اعتباری هنر افزود: «بیش از ۷۰ هزار نفر عضو صندوق اعتباری هنر هستند، از این میان ۳۲ هزار نفر به سازمان تأمین اجتماعی معرفی شدند که ۲۲ هزار نفر آنها بیمه درمان تکمیلی نیز دارند». سیدزاده در پایان تأکید کرد: «یکی از مهم‌ترین اهداف ما در سال ۹۸ شناسایی و شنیدن صدای هنرمندان با همراهی اهالی فرهنگ، هنر و رسانه است».

تعیین تکلیف «نود» و «برنده باش»

آزمون بزرگ شورای نظارت بر عملکرد صداوسیما

فرانک آرتا

روز گذشته شورای نظارت بر عملکرد صداوسیما درباره دو موضوع مهم؛ یعنی تعیین‌تکلیف برنامه‌های تلویزیونی «برنده باش» و «نود» تشکیل جلسه داد. از مدت‌ها قبل و به‌خصوص از زمان تغییر مدیریت شبکه سوم سیما، انتقادات زیادی به نحوه مدیریت این شبکه شده است که درنهایت با اظهارنظر رسمی مقام معظم رهبری و آیت‌الله مکارم‌شیرازی علیه مدل بخت‌آزمایی‌هایی مانند روبیکا و ... بر برخی از برنامه‌های صداوسیما به‌مثابه اسپانسرهای پشت‌صحنه‌ای، انتقادات شکل جدی‌تری به خود گرفت. همواره به تجربه ثابت شده که اغلب مدیران رسانه ملی، خود را در برابر افکار عمومی چندان پاسخ‌گو نمی‌دانند و اگر زمانی موضوعی شکل حاد به خود بگیرد، تنها در حد انتشار بیانیه یا جوابیه از سوی روابط‌عمومی پاسخ‌های کلی ارائه می‌دهند که درنهایت راه هرگونه گفت‌وگوی دوطرفه با رسانه‌های منتقد را می‌بندد! به همین دلیل ورود شورای نظارت بر عملکرد صداوسیما به این موضوع، آزمون بزرگی محسوب می‌شود تا مدیران صداوسیما را به طور رسمی به تمکین در برابر قانون و افکار عمومی وادار کند. چنین ظرفیتی به شکل قانونی اساسی در قانون اساسی تصریح شده و طبق اصل ۱۷۵ قانون اساسی و بنا بر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، چنین تلنگری الزامی است.

نکته جالب این است که برنامه‌ای مانند «برنده باش» با مجری‌گری محمدرضا گلزار قرار بود برگ برنده مدیریت شبکه سوم شود تا بتواند با خیال راحت برنامه «نود» را کنار بگذارد و از دست عادل فردوسی‌پور راحت شود! علی فروغی هیچ‌گاه به طور رسمی درباره دلایل حذف برنامه نود به افکار عمومی پاسخ قانع‌کننده‌ای نداده است! اما با دعوت از محمدرضا گلزار که اغلب فیلم‌هایش در این سال‌ها با شکست تجاری مواجه شده، خواست مدیریت خود را به رخ بکشد، اما ظاهرا نمی‌دانست که علنی‌کردن تقلب نظرسنجی برنامه «نود» که همواره جزء اولین‌های مردم بود، از سوی وزیر ارتباطات، دچار بحران می‌شود. تا اینکه کار به جایی رسید که از مراجع عظام درباره ساختار اپلیکیشن‌های ستاره-مربع‌ها استفتا شد. آیت‌الله مکارم‌شیرازی جوایز مسابقه «برنده باش» را حرام اعلام کرد. سؤال مطرح‌شده این بود: «مسابقه‌ای حضوری با عنوان «مسابقه بزرگ برنده باش» از طریق شبکه سه سیمای جمهوری اسلامی ایران در حال اجرا و پخش است که به شرکت‌کنندگان در این مسابقه به ازای پاسخ صحیح به هر سؤال، مبلغ قابل‌توجهی به صورت پلکانی (تا سقف صد میلیون تومان) اعطا می‌کند که با کمک مجری برنامه و فرصت‌هایی که در اختیار هر شرکت‌کننده قرار می‌گیرد، مبلغ جایزه غالبا از پنج میلیون تومان کمتر نیست. شرط حضور در این برنامه خرید سؤال و پاسخ درست به آنها از طریق اپلیکیشن مخصوص است و در صورت درست‌بودن جواب‌ها، در یک رقابت فشرده، چهار نفر به مسابقه حضوری دعوت خواهند شد. آیا برگزاری این نوع مسابقات جایز است؟ آیا شرکت در این نوع مسابقات جایز است؟ آیا شرکت‌کننده، مالک شرعی جایزه خواهد شد؟» که ایشان در پاسخ آن را مصداق قمار دانست و عنوان کرد: «این کار قمار است و کسانی که شرکت می‌کنند مالک جوایز نمی‌شوند». نکته تعجب‌آور این بود که روابط‌عمومی برنامه در جوابیه‌ای عنوان کرد: «فرض مطرح‌شده در سؤال استفتا کامل نیست و طبیعتا فرض ناکامل، جایگاه سؤال را مخدوش می‌سازد»! به‌هرحال مدیر جوان شبکه سوم تلاش خود را به ادامه برنامه «برنده باش» معطوف کرد، اما بالاخره رهبری تذکری صریح به صداوسیما داد. ایشان در جریان دیدار کارگران صنایع مختلف عنوان کردند: «باید فرهنگ کار و تولید و تلاش را ترویج دهیم و روحیه انتظار برای ثروت بادآورده را از بین ببریم و روش‌هایی شبیه بخت‌آزمایی را ترویج نکنیم که دستگاه‌های مختلف از جمله صداوسیما باید متوجه این معنا باشند».

روز گذشته جلسه‌ای با حضور دکتر علی جنتی و حسام‌الدین آشنا (نمایندگان قوه مجریه)، حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامحسین اژه‌ای و محمدجواد لاریجانی (نمایندگان قوه قضائیه)، سیداحسان قاضی‌زاده‌هاشمی و غلامرضا کاتب (نمایندگان قوه مقننه) و محمدحسین صوفی، دبیر شورا، سیدمرتضی میرباقری، معاون سینما و احمد شهریاری، سمت معاون منابع مالی و سرمایه انسانی سازمان صداوسیما تشکیل شد. پیش از این یک عضو شورای نظارت بر صداوسیما با بیان اینکه بعد از تذکر اخیر مقام معظم رهبری مبنی‌بر عدم ترویج روش‌های صحیح بخت‌آزمایی دیگر نباید برنامه برنده باش پخش شود، گفت: «شورای نظارت بر صداوسیما در اولین جلسه خود موضوع حذف برنامه ۹۰ و پخش برنامه‌هایی با شائبه قمار را مورد بررسی قرار می‌دهد».

غلامرضا کاتب در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: «اعضای شورای نظارت بر صداوسیما به‌شدت از اتفاقات اخیر در شبکه ۳ گلایه‌مند هستند. اینکه این اتفاقات باعث جریحه‌دارکردن احساسات مردم و مراجع تقلید شدند».

او افزود: «رسانه ملی بزرگ‌ترین سرمایه ملی کشور است و با عنوان سرمایه بزرگ انقلاب محسوب می‌شود. اینکه چرا به‌تازگی مدیر شبکه سه این اندازه حاشیه‌سازی می‌کند، جای سؤال دارد».

این نماینده مجلس یادآور شد: «بعد از اتفاقات برنامه ۹۰ اکنون شاهد واکنش آیت‌الله مکارم‌شیرازی، از مراجع تقلید، مبنی بر قماردانستن مسابقه تلویزیونی برنده باش و بعد از آن تذکر مقام معظم رهبری مبنی بر ترویج روش‌هایی شبیه بخت‌آزمایی در برنامه‌های صداوسیما بودیم که یقینا آقای علی‌عسگری، رئیس سازمان صداوسیما، باید در این موضوع نظارت جدی داشته باشد و اجازه ندهد اتفاقات نادرستی در رسانه ملی کشور رخ دهد».

کاتب درباره سرنوشت پخش مسابقه برنده باش گفت: «طبق تذکر مقام معظم رهبری طبیعتا دیگر نباید این برنامه از تلویزیون پخش شود».

همچنین طیبه سیاوشی، نماینده مجلس، در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به تذکر مقام معظم رهبری به دستگاه‌های مختلف ازجمله صداوسیما درباره استفاده از روش‌های شبیه به بخت‌آزمایی در برنامه‌سازی‌های‌شان، گفت: «مسابقات و سرگرمی‌ها زمینه‌ای خوب برای جذب مخاطب بیشتر برای صداوسیماست؛ اما نباید به چشم «سودجویی» و «درآمدزایی» بیشتر برای صداوسیما نگریسته شود».

او ادامه داد: «پخش مسابقات و سرگرمی‌ها در صداوسیما همان قدر که می‌تواند موجب جذب مخاطب بیشتر برای سازمان صداوسیما شود، به‌مراتب در انتقال فرهنگ عمومی و حتی آموزش مسائل علمی، تخصصی و دینی تأثیرگذار است».

نماینده مردم تهران در مجلس با انتقاد از نحوه انتصاب مدیران سازمان و شبکه‌های صداوسیما، گفت: «اصلا مشخص نیست انتخاب مدیران در سازمان صداوسیما براساس چه سازوکار و مکانیسم روشنی انجام می‌شود. تخصص، تجربه، تبحر یا رابطه؟ بخشی از مدیران صداوسیما انتصاب‌های انجام‌شده در این سازمان را به‌هیچ‌وجه «جوان‌گرایی» نمی‌دانند؛ چراکه این افراد به‌هیچ‌وجه سابقه و تخصص کار در بدنه تولید شبکه سه را ندارند». این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اظهار کرد: «مدیریت صداوسیما با توجه به حجم نارضایتی‌های مردمی در فضای مجازی و واقعی باید عملکرد مدیریت بی‌تجربه و ناپخته شبکه سوم سیما را به نحوی مدیریت می‌کرد که مقام معظم رهبری به صورت مصداقی به موضوع ورود نمی‌کردند. این مسئله هزینه‌های سنگینی می‌تواند برای صداوسیما داشته باشد. درحالی‌که علی‌عسگری در حاشیه هیئت دولت از تداوم پخش برنامه ۹۰ صحبت کرد، فروغی با بی‌اعتنایی تمام برنامه ۹۰ و مجری آن را کنار می‌گذارد و آب از آب هم تکان نمی‌خورد. چطور امکان دارد در سازمان صداوسیما مدیر یک شبکه از سیاست‌های مدیریت مجموعه حرف‌شنوی نداشته باشد؟».

سیاوشی اظهار تأسف کرد و گفت: «سربسته بگویم آن چیزی که در چارچوب صفحه تلویزیون یا از پشت رادیو به مخاطب انتقال داده یا آموزش داده می‌شود، با آن چیزی که در پشت صحنه‌های برنامه‌های صداوسیما در جریان است، با هم متضاد است».

اعطای جایزه ویژه جشنواره «صوفی‌سین» ترکیه به مجیدی

مراسم اختتامیه دومین دوره از جشنواره سینمایی بین‌المللی «صوفی‌سین» با حضور گسترده فیلم‌سازان، کارگردانان جهان و علاقه‌مندان در مرکز فرهنگی مولانا در شهر قونیه ترکیه برگزار شد.

مجید مجیدی، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس ایرانی، با فیلم‌های «بید مجنون» و «بچه‌های آسمان» در این رویداد سینمایی شرکت و جایزه ویژه را دریافت کرد. او در طول برگزاری این جشنواره و اکران فیلم‌هایش در چندین نشست و کارگاه آموزشی نیز شرکت کرد.

مجیدی همچنین در مراسم شب سماع مرکز فرهنگی مولانا نیز حضور یافت. دومین دوره جشنواره سینمایی بین‌المللی «صوفی‌سین» به مناسبت هفتصدونودویکمین سالگرد ورود خانواده مولانا جلال‌الدین محمد رومی‌بلخی به قونیه، از ۲ تا ۵ ماه می (۱۵ اردیبهشت) در این شهر برگزار شد.

در این جشنواره فیلم‌هایی با مضامین عرفانی و مذهبی با حضور گسترده فیلم‌سازان، کارگردانان جهان و علاقه‌مندان اکران شد.

فیلم سینمایی محمد رسول‌الله(ص) از آثار فاخر سینمایی ایران و ساخته مجید مجیدی پیش‌تر در ترکیه به نمایش عمومی درآمد.

درباره فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی»

ابد و یک روز در سیاست

کوروش جاهد: اگر دغدغه دو برادر در فیلم «ابد و یک روز» بر سر چگونگی پنهان‌کردن مواد مخدر جاسازشده در خانه از ترس مأموران مبارزه با مواد مخدر یا مسئله شوهردادن خواهرشان بود، دعوای برادرها و خانواده در «آشغال‌های دوست‌داشتنی» از پیشینه تاریخ سیاسی و اجتماعی چند دهه اخیر ایران برخوردار است. مادر خانواده در هردو فیلم با بازی شیرین یزدان‌بخش، دردمندانه و تا حدی طنزآمیز، مادری نگران فرزندان و خانه و کاشانه است تا بر اثر دعواها و رقابت‌های لجوجانه تبدیل به ویرانه نشود. در هر دو فیلم، مادر خانواده در کانون توجه قرار می‌گیرد تا کاشانه‌اش در بحبوحه تضاد میان فرزندان یا در اثر تفتیش مأموران؛ چه به انگیزه‌های سیاسی و چه در پی یافتن اسلحه یا مواد افیونی جاسازشده در خانه بر باد نرود!...

فیلم با تعقیب‌وگریز مأموران نیروی انتظامی در پی معترضان به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ آغاز می‌شود که در بحبوحه درگیری‌های آن سال به وقوع می‌پیوندد. این‌گونه، پناه‌گرفتن معترضان در خانه پیرزن به واسطه حضور سیما (هدیه تهرانی)، «آشغال‌های دوست‌داشتنی» را از ابتدا با جریان درگیری‌های سیاسی ۸۸ پیوند می‌دهد. همین رویداد سبب می‌شود تا اختلاف و مشکلات ریشه‌دار اعضای خانواده تا پایان فیلم در قالب گفت‌وگوهای بی‌پایان، دست از سرمان برندارد. گفت‌وگوی پسران پیرزن، امیر (صابر اَبَر) و حبیب رضایی همراه با برادر پیرزن، منصور (شهاب حسینی) و شوهر مرحومش (اکبر عبدی) به صورت گفت‌وگو میان قاب‌عکس هرکدام از این شخصیت‌ها با یکدیگر، ویژگی خلاقانه و متفاوت فیلم است که جلوه بیانی و معنایی شاخصی به اثر بخشیده. شاید بتوان هرکدام از این افراد را در قاب‌عکس‌هایشان مانند نماینده‌ای از رویکردها و عقاید مختلف جامعه ایران در طول دهه‌های پیشین در نظر گرفت که به شیوه‌ای نمادین در این خانواده گرد هم آمده‌اند. یادبودی از هرکدام از این شخصیت‌های ازدست‌رفته؛ چه شهیدشده در جبهه‌ها، چه کشته‌شده در جریانات سیاسی و چه مهاجرت‌کرده به خارج از کشور که گفت‌وگوی سوررئال و به دقت اجراشده را شکل می‌دهند؛ از شخصیت «امیر» در لباس رزمنده جبهه‌های جنگ ایران و عراق در دهه ۱۳۶۰ تا «منصور»، عضو یک گروه سیاسی مارکسیست (احتمالا چریک فدایی، توده‌ای یا عضو سایر گروه‌ها) و پسر دیگر خانواده که برای تحصیل به خارج از کشور رفته و پدری که پیش از این فوت کرده است. جالب اینکه گفت‌وگوی همه این شخصیت‌ها در زمان حال به واسطه سیالیت «زمان» به روزگاران گذشته پیوند می‌خورد؛ از دوران سلطنت رضاشاه و ماجرای «کشف حجاب» تا جریان کودتای مرداد ۳۲ و سپس رویداد انقلاب در سال ۵۷ تا ماجرای کشمکش و درگیری‌های سال ۸۸ که همگی در بستر زمانِ ذهنی پیرزن جلوی چشمانمان پدیدار می‌شوند. به‌گونه‌ای که نشان داده می‌شود، مأموران امنیتی در تمام این مقاطع به بهانه‌های مختلف به منزل این زن مراجعه می‌کنند. از طریق این سیالیت زمانی و مشاهده مقاطع گوناگون تاریخ در ذهنیت مادر خانه، قرار است تا شاهد حضور این رویدادهای سیاسی و اجتماعی در «حافظه تاریخی» زن این خانه باشیم.

به‌هرشکل، گفت‌وگوهای بی‌امان و مکرر فیلم (مانند اغلب فیلم‌های ایرانی!) در قالب ایده اصلی و خلاقانه اثر با عبور از مرزهای زمان و مکان، رویارویی این عقاید گوناگون و متضاد را به شیوه‌ای بدیع و شگفت‌انگیز (لااقل در محدوده امکانات سینمای ایران) به تصویر می‌کشد. کشمکش اصلی اما، بیش از تمامی طرفین درگیر در این تضاد سیاسی و خانوادگی، در قالب تقابل «ایدئولوژیک» و خصمانه میان منصورِ «مارکسیست» و امیرِ «حزب‌اللهی» در می‌گیرد. با این چاشنی قابل‌توجه که پسرِ خارج‌رفته (حبیب رضایی) سیطره و کشمکش هردوی این ایدئولوژی‌ها را مسئول سرنوشت و زندگی خود و هم‌نسلانش برمی‌شمارد. در کنار این تضاد ایدئولوژیک و خانوادگی، ارتباط پدر مرحوم خانواده با همسرش به نوعی نمایانگر حضور فراگیر مفهوم «سنت» در این سرزمین است. این «سنت‌گرایی» فراگیر که شامل رابطه عاشقانه این زن و شوهر میان‌سال نیز شده است.

همچنین نمایانگر هویت چندگانه و مصلحت‌اندیشانه در سرزمینی است که در آن پدر خانواده را از مردی خوش‌گذران که مدت‌های زیادی را صرف جمع‌آوری نوارهای کاست موسیقی کرده به یک حاج‌آقای مکه‌رفته تبدیل کرده و مادری که از ابتدا تا انتها در تلاش است تا آثار خطرآفرین دوران سابق، مانند نوارهای کاست پدر خانواده و اسلحه گرم برادر سیاست‌زده‌اش را به هر شکل ممکن جست‌وجو کرده و از بین ببرد. درواقع، اضطراب ورود قریب‌الوقوع و غافلگیرانه مأموران به این خانه است که همچنان تا انتهای فیلم همراه ما و در ذهن مادر فیلم ادامه پیدا می‌کند. در میان انبوهی از بگومگوهای خصمانه و نیش‌وکنایه‌دار، میان دایی مارکسیست و پسر حزب‌اللهی، دغدغه‌های پسر خارج‌رفته هم گهگاه به گوش می‌رسد؛ اضطراب بازگشت به سرزمین مادری از ترس دستگیر شدن که در برنامه‌های ماهواره‌ای نیز قابل مشاهده است. تمام بحث‌های خصمانه میان افراد این خانواده و قاب عکس‌هایشان به‌گونه‌ای ادامه می‌یابد تا در نهایت مادر خانواده برای درامان‌ماندن از کاوش قریب‌الوقوع مأموران ناچار می‌شود تا علاوه‌بر نوارهای کاست و کتاب «کاپیتال» کارل مارکس، قاب‌عکس برادر مارکسیستش را هم روانه کیسه زباله کند؛ تصمیمی دردناک که پیرزن را ناچار می‌کند علی‌رغم پیوند خونی با برادرش، برای حفظ خانه و کاشانه‌اش، یاد و خاطره برادر مارکسیستش را احیانا به نمایندگی از اندیشه «مارکسیسم» در این سرزمین روانه زباله‌دان کند! هرچند شخصیت این چریکِ کشته‌شده به دلیل وابستگی حزبی‌اش به اسامی تاریخی مانند «استالین»، از پیش مورد تخریب و محکومیت قرار گرفته است، اما در انتها و در آستانه انداخته‌شدن قاب‌عکسش به زباله‌دان، تصویر نقاشی‌شده یک پرنده سفید توسط او حکایت از ضمیر پاک و خالصانه این جوان دارد که مانند بسیاری از جوانان در دهه‌های پیشین، قربانی و بازیچه جریان‌های سیاسی شده‌اند. به‌طور موازی و در تضاد با این جوان مارکسیستِ قربانی که پس از تقابل نهایی دو قاب‌عکس با یکدیگر، گویی به شیوه‌ای اندوه‌بار به ابدیت می‌پیوندد، شخصیت خواهرزاده‌اش، امیر، به واسطه حضور در جبهه‌های دفاع از میهن، موجه‌تر از سایر شخصیت‌ها در این بین برایمان باقی می‌ماند. همچنان سرنوشت اشخاص دیگر داستان با وحشت بادلیل یا بی‌دلیل پسر «خارج‌نشین» در بازگشت به میهن یا شهیدشدن پسر «جبهه‌رفته» در سالیان گذشته به سرانجامی تراژیک در دو جهت متضاد از یکدیگر می‌رسند. در پایان، تعقیب شخصیت مارکسیست ماجرا از درون قاب‌عکسش، نگاهمان را در پی سرنوشت مبهم منصور به کوچه‌ای که مادربزرگ برای بردن آشغال‌ها به آن پا گذاشته، خیره نگاه می‌دارد.

زیر درختان زیتون

درخواست بزرگان در گرامیداشت هفته تئاتر

بازگشت بیضایی به ایران

● **گروه هنر:** محمدعلی کشاورز، ژاله علو و علی نصیریان، سه بزرگی بودند که شب پایانی شانزدهمین هفته گرامیداشت تئاتر را رونق بخشیدند.

این مراسم عصر روز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت در مرکز همایش‌های برج میلادبرگزار شد.در ابتدا فرهاد آییش و بهناز نازی پیام روز جهانی تئاتر ۲۰۱۹ را که توسط کارلوس سِلدِران، هنرمند کوبایی نوشته شده بود، قرائت کردند.در ادامه، محمودرضا رحیمی، دبیر هفته بزرگداشت تئاتر گفت: «حدود ۲۱۸ برنامه را با انجمن‌های تئاتری در این دوره برگزار کردیم که این خود نشان‌دهنده اتفاقی خوب در خانه تئاتر است. ما ۲۰ ورک‌شاپ داشتیم و من اسم این دوره را سندپژوهی گذاشتم و در این دوره برنامه‌های مختلفی را داشتیم.

شهرام گیل‌آبادی، مدیرعامل خانه تئاتر نیز بیان کرد: «تئاتر عالی‌ترین گفت‌وگوی انسانی است و ما در سالن‌های تئاتر عاشق شدیم و این عاشق‌پیشگی را در زیر سایه بزرگان ادامه می‌دهیم. تا زمانی که دور هم باشیم و به هم حس دلدادگی و عشق بدهیم، پایا و زنده می‌مانیم. از استادان بزرگ که دلدادگی و عشق را به ما یاد دادند، سپاسگزارم».در ادامه، روح‌الله جعفری به نمایندگی از عباس جوانمرد، هنرمند پیش‌کسوت تئاتر ایران که در کانادا اقامت دارد، پیام این هنرمند را قرائت و مدالیوم و لوح تقدیر خانه تئاتر را از طرف او دریافت کرد.در این پیام آمد: «ای آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید/ یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان/یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند/روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید...ببینید، ما همیشه دیریم، متأسفانه در همه زمینه‌ها.عاشقان نمایش و تئاتر، ای کسانی که لحظه به لحظه زندگی خود را وقف تعالی هنر نمایش کرده‌اید، نمی‌دانم می‌دانید یا نه، به راستی خیلی زود دیر می‌شود و به سرعت و کوتاهی پلک‌زدن عمر می‌گذرد. اگر فکر می‌کنید بر ساحل امنی نشسته‌اید، سخت در اشتباهید. نه، حال تئاتر ما خوب نیست. باید دل به دریا زد و این غریق را با عشق و ازخودگذشتگی از چنین احوال نابابی درآورد.در این بیش از هفت دهه از فعالیت هنری‌ام، فروتنانه باید بگویم همیشه وام‌دار پیشینیان بوده‌ام. به راستی باور بکنید که هنوز نمی‌دانم «تئاتر زندگی‌ست یا زندگی تئاتر؟». ایمان دارم که اگر شما به این پاسخ مهم دست یابید آن‌وقت لحظه‌ای تأمل نخواهید کرد و با همه وجود به مدد رفع معضلات انبوه آن خواهید آمد.راستی و جسارت، نخستین امر حیات ماست. این حقیقت، حقیقتی است که هیچ‌گاه نباید فراموش شود. تئاتر به ما و عمر و عطوفت ما نیاز دارد، باید نثارش کنیم. حال، شما بگویید «تئاتر زندگی‌ست یا زندگی تئاتر؟» به راستی کدام‌یک؟».در این مراسم همچنین به تجلیل از بهرام بیضایی پرداخته شد که بهزاد فراهانی گفت:«من از سیاست‌گذاران کلان مملکت تقاضا دارم این هنرمند بزرگ را به کشورش بازگردانیم. تئاتر شهر و سنگلج بدون عطر بیضایی و جوانمرد کم‌فروغ است. همان‌طور که جای خالی نصیریان و کشاورز در تئاتر احساس می‌شود. تقاضا دارم بهرام بیضایی را به ایران بازگردانید، چون بدون او جامعه ما خلوت است». علی نصیریان نیز گفت: « این مراسم کار بسیار درستی بود، زیرا جوانمرد از رکن‌های اصلی تئاتر نوین ایران بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که تئاتر سعدی بسته شد. از طرف دیگر، من هم مثل بهزاد فراهانی که حرف به‌حقی زد، تقاضا می‌کنم بیضایی را به ایران بازگردانند. حرمت‌گذاشتن به گذشتگان بسیار کار خوبی است».پرویز پورحسینی نیز گفت:« می‌خواستم از بیژن مفید به عنوان یکی از معلم‌های خودم یاد کنم که در غربت فراموش‌شده از دنیا رفت. من هم برای خانه سینما و هم خانه تئاتر کار کردم اما هر دو جا را دل‌شکسته ترک کردم. به یاد داشته باشیم آدم‌هایی که بر سر کار می‌آیند، دیگر نمی‌توانند جای گذشتگان را پر کنند».اصغر همت در ادامه پس از پخش کلیپی از کارنامه کاری ژاله علو و صحبت‌های هنرمندان مختلف درباره او، به روی صحنه آمد و مدالیوم خانه تئاتر را به این هنرمند قدیمی تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون و دوبله اهدا کرد. علو نیز گفت: «تمام وجودم سپاس از مردمی است که همراه و مشوق من بودند و همیشه با محبت با من رفتار کردند. امیدوارم که خداوند نیرویی به من بدهد تا در عرصه‌های مختلف ایفای نقش کنم، اما دیگر در تئاتر توان ندارم اما اگر نیرویی باشد در رادیو و سینما حاضر خواهم شد. همیشه دعاگو و سپاسگزار محبت مردم کشورم هستم. این تشویق‌ها خستگی سال‌ها را از تن من بیرون می‌آورد».در ادامه حمیدرضا نعیمی، کارگردان مراسم، با اشاره به ویژگی‌های محمود دولت‌آبادی شعری را که چند سال قبل برای «رستم» سروده بود، به دولت‌آبادی تقدیم کرد و گفت:« استاد خواهش می‌کنم رستم زنده ما باقی بمان و سایه‌ات را از سر ما برندار».سپس از محمود دولت‌آبادی با اهدای مدالیوم خانه تئاتر به فرهاد دولت‌آبادی، فرزند این نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس و بازیگر قدیمی تئاتر تجلیل شد.ابراهیم حقیقی، طراح گرافیک و طراح پوستر این دوره از هفته تئاتر، نیز در ادامه مراسم روی صحنه آمد و بیان کرد: «خوشحالم که به نمایندگی از انجمن طراحان پوستر خانه تئاتر از استادم قباد شیوا دعوت کنم تا برای دریافت مدالیوم روی صحنه بیاید».در ادامه برنامه از قباد شیوا، طراح گرافیک، نیز تجلیل به عمل آمد و مدالیوم خانه تئاتر به او اهدا شد.سپس با حضور هیئت‌مدیره خانه تئاتر و شهرام کرمی مدیرکل هنرهای نمایشی از ایرج راد تجلیل و مدالیوم خانه تئاتر به این هنرمند اهدا شد.